

است ، عالم هراسان است ، ما دو نفر از ورزش این تند بادها
یم نداریم .

نفت و پادشاه نفت

قرن نوزدهم که اولین قرن بزرگ ترقی بایش دانست بسیاری
از قواء طبیعی را که قرنها مجهول بودند کشف کرد و بموقع
استفاده گذاشت. معلوم است این موفقیت‌های علمی و فنی در عالم صنعت
و هنرمندی نوع بشر چه کارها کردند و چه خدمات مهم انجام دادند.
نفت، این روغن معدنی که امروز هم برای روشنائی و هم
برای تولید حرارت و قوت در تمام دنیا استعمال میشود، یکی از
همان قواء و از همان ودایع مکنونه است که از اعماق معادن بیرون
آمده و از جمله ضروریات زندگانی انسان محسوب شده است.

اولین معدن نفت در ۱۸۵۸ بواسطه کنتل «دریک» در امریکا
بکار افتاد، سابقاً هنوز آمریکا و پارسیان ایران در اراضی نفت خیز
گودالهایی بعرض و عمق چند ذرع کننده پارچه‌ها و لحافهای پشمین
در آنها نهاده از فشردن این قماشها مقدار جزئی نفت تحصیل مینمودند،
این استفاده در صورتی مبسر میشود که نفت بسطح زمین نزدیک
باشد. در «بن-سیلوانیا» از ۴۰۰ تا ۵۰۰ ذرع در باکو از ۲۰۰ تا
۲۵۰ ذرع عمق میتوانند نفت استخراج نمایند.

علما در اصل این مایع که مقدار زیاد ذغال پآن مخلوط است
اختلاف دارند، بعضی میگویند اجساد حیوانات قدیمه پس از پوسیدن

نفت را بوجود آورده‌اند. بعضی مینویسند ذغال سنگ از اثر حرارت مرکزی زمین تقطیر گشته و از آنجمله متراکمه آن نفت پیدا شده است. «برتلو» شیمیست مشهور فرانسوی میگوید بخار آب در ترکیبات معدنی تصرفاتی میکند و باین سبب ماده «هیدروکاربون» را که شبیه نفت است تولید مینماید، دیگران میگویند این عقیده را بر نفت روسی تطبیق نمیتوان کرد بجهت اینکه معادن نفت روسیه مرکبات کاربونی ندارند، مسیو «سباتیه» و مسیو «سندرن» تصور کرده‌اند وقتی که گاز «هیدروکاربون» با معدنیهای نیکل و «کوبالت» و آهن تلافی میکند مایمی مانند نفت حاصل میشود.

منابع عظیمه نفت در آمریکا، ایتالیا، کالیسی، هندوستان، یرمانی، کانادا، زاوه، سواحل بحر خزر، جنوب و شمال ایران یافت میشود. نفت در يك نوع کیسه‌ها یا حفره‌های زیر زمینی جا دارد که زیر آنها را آب شور و روی آنها را گازهای مختلف گرفته‌اند. این حفره‌ها گاهی بر معادن ذغال سنگ متکی هستند و بطور غیر منظم در عمقهایی که بتناسب مقدار نفت زیاد میشوند پراکنده‌اند.

جستجوی کیسه‌های نفت در اراضی نفت خیز نوعی از بخت آزمائی است، گاه چنین پش می‌آید که حفاریات ابداً ثمر ندهند و کارکنان را بخراسات گراف دچار مینمایند. برای کندن چاه دیلم سنگین بلند نوک تیز را بطنابی بسته با آلت جر انفال از ارتفاعی معین رها میکنند، چاه بواسطه سقوط متوالی دیلم کنده میشود و هر قدر کار جلو میرود لوله آهن بقطر يك یا دو گره بسوراخ چاه میگذارند، همینکه دیلم بکوتاهت رسد گازها که بعضی وقتها در ۷۸ م

فشار (۱) محبوسند باغزش طویل مهیب بیرون بسته غالباً دیلم را تا ارتفاع زیاد بهوا میبرانند. استخراج نفت در «پن سیلوانیا» باتلمبه و در بعضی جاهای باکوبا «ژالنکا» — سطح بلند آهن بکنجایش هشت من ونیم — صورت میگیرد، اگر فشار گازهای محبوس شدید باشد نفت را تا سطح زمین و گاهی هم بالاتر از آن بیرون میزنند، در اینوقت ستون مایع که از چشمه جستن میکند گردابی بزرگ از خود میسازد؛ هنگامی که در باد کوبه چاه «دروچیا» حفر شد ستونی از نفت به بلندی نود ذرع فوران کرد که بعد از چهار ماه توانستند آنرا ضبط کنند، در اینمدت سیلهای نفت و شن از هر سو جاری گشته معدنها و بناهای مجاور را خراب کرده بدویای خزر ریختند. چاه یا چشمه نفت «نوبل» یک روز ۳۹۰۰۰۰ خروار نفت داد و در ظرف ۳۱ روز خشک شد، در ۱۸۸۷ یکی از چاههای هانجا بفوران آمد و مدت ۳۵ روز با ارتفاع ۱۱۲ ذرع نفت برزائی کرد، یکی از چشمه های ترک (۲) ساعتی ۲۸۰۰ و روزی ۶۸۰۰۰ خروار نفت میداد. بلندی فواره آن ۹۰ و عمقش ۱۹۰ ذرع بود، حالیه همینکه سداهای زیر زمین وصول گاز یا مایع را اخطار میکنند سر لوله با سرپوش فولاد پر قوت بسته شده و نفت محبوس به وسیله شیریه که با آن متصل است استخراج میشود، این نوع چشمه ها را «سربسته» مینامند.

(۱) دویت ستون هوا 200 Atmosphères.

(۲) ترک — Térek یکی از رودخانه های قفقاز است، زمینی که با آن

مشروب میشود باین اسم موسوم است.

فوران نفت همیشه موقتی است ، گاهی بسیار زود تمام می شود . بعضی چاهها بنوبت فوران میکنند . پس از آنکه نفت به دست آمد بانباری نزدیک جاری شده دریاچه های واقعی تشکیل میدهد . ریک و سایر مواد خارجی در انبارهای مذکور ته نشین میشوند . بعد بوساطت نهرها یا لوله های فلزی بقطر $\frac{1}{4}$ تا $\frac{3}{4}$ گره بمحل تقطیر و تصفیه میرود ، در باکو نفت شبیه جزیره « آپشرون » را بهمین طریق بکارخانه میبرند . لوله های نفت « بن سیلوانیا » در امتداد ۱۳۰۰ فرسخ طول محتویات خود را در ۱۶۰۰۰ مخزن میریزند که کنجایش ۱۶ کرور ذرع مکعب نفت را دارند .

گاه در اثر غفلت یا بی احتیاطی چاه آتش میگیرد و منظره موخس و تماشائی دیده میشود ، شعله هائی بزرگی کوه تا ارتفاعات زیاد در هوا نمایان شده ابرهای عظیم دود آسمان را تاریک می کنند ، شلیک دائمی اشتعال با این احتراق همراه است چاهی که آتش بگیرد از دست رفته و خاموش کردن آن ممکن نیست . گاه حریق در انبار روی داده مخزنها را میترکانند . آن وقت رودهای آتش از هر سمت براه افتاده در معبر خود هست و نیست را میسوزانند .

آنچه از نفت کفتم کافی است ، در اینموقع لازم میدانیم پادشاه نفت را بخوانندگان معرفی کنیم . « جان روکفلر » پادشاه نفت و متمولترین مرد دنیا سال ۱۸۳۹ در شهر « ریچلند » از توابع

نیویورک متولد گردید. این شخص که در جوانی از یک ریال دخل روزانه خود را خوشبخت می‌شمرد در کمتر از پنجاه سال «روچیلد» ها را که بیادشاهان طلا معروف بودند بکلی گنم کرد و اسم آنها را از دفتر اشتها حذف نمود. این فلاح زاده فقیر که تا شانزده سالگی با داس و گاو آهن مشغول بود کار نروتش بجائی رسید که بلقب «قارون جدید» ملقب گشت.

در تخمین نروت روکفلر حرفها زده و حسابها ساخته اند، از جمله میگویند اگر پولهای روکفلر را به پنجقرانی نقره ما بدل کنند وزن آنها مطابق دوکشتی زره پوش خواهد بود. یکی دیگر حساب کرده است اگر نقدینه او بصورت اسکناس يك تومانی در آید دوبار بدور کره میچرخد، دیگری میگوید مجموع عایدات ۱۲۵۰۰۰ نفر که هر يك سالی پانصد تومان دخل داشته باشند با منافع سالانه روکفلر برابری میکنند. شك محاسب اروپائی مینویسد: پیش از جنگ عمومی روکفلر میتواند بودجه یکساله دولتهای بلغارستان، دانمارک، یونان، لوکزامبورک، موناکو، مونتنگرو، هلاند، برتقال، رومانی، سربستان، سوئد و نروژ را پردازد و ۶۳۵ کرور برای خود نگاهدارد!

روکفلر در هفده سالگی از زراعت دست برداشته برای تجسس کسب و کار بشهر «کلولاند» عزیمت نمود و در یکی از تجارتخانه های آنجا بکار مشغول شد، روکفلر در یاد داشتهای خود میگوید: «سالهای اول استخدام خود را در کلولاند هرگز فراموش نمیکنم، این شغل چشم خبرت و بصیرت مرا باز کرد، اداره اعمال تجارتی

را در اینجا یاد گرفتیم و دانستیم که دنیای سهی و عمل بسیار وسیع است، امیدها و آرزوهای دور و دراز داشتیم فهمیدیم که جز با کوشش و اراده ثابت بآنها نایل نخواهیم شد.

روکفلر چنانکه خود اظهار مینماید در تحمل رنج و مشقت تصور نکرد و هیچ مانعی او را از وصول بمقصدی که در نظر گرفته بود باز نداشت، در جای دیگر میگوید: «کسانی که در شهرها متولد میشوند مثل ما اطفال ولایات مجبور نیستند بزحمت زندگانی تسلیم شده مرد کار بشوند، همین سستی و تن پروری آنها را ضعیف و مهمل میکند و بالعکس ما را قوت بخشیده بمیدان مجاهده میاندازد.» اولین کار تجارتهی روکفلر جوان این بود که مقداری چوب ونخته خریده آن را از رودخانه «لوها بو» گذرانده به کارخانه نجاری فروخت و ده لیره فائده برد، همینکه لذت منفعت را چشید بصدد کار دیگر شریک آمدیم و آنچه تجارتهی نفت چیزی را اختیار نمود، در این تاریخ معامله نفت امید بخش نبود، اشخاصی که نفت استخراج میکردند غالباً دچار ضررهای فاحش شده از عمل و اقدام خود مأیوس میشدند، قسمت بسیاری از نفتها بواسطه تیرگی رنگ و کثافت و اشتعال ناگهانی بمصرف نمیرسید. روکفلر فکر کرد اگر بتواند نفت را صاف کند مخاطره استعمال آن رفع شده باینوسیله فواید عمده بدست خواهد آمد، اما با دست خالی کاری از پیش نمیرفت، در این تاریخ ماهی پنج لیره اجرت میگرفت، ناچار بصره جوانی وقاعت نشینت کرده نصف این مبلغ را ذخیره مینمود. در ایست و یک سالگی سرمایه کوچکی فراهم ساخته با جوانی موسوم به «هیوت»

تجارت پرداخت و در ظرف پنجسال منافع او به دو هزار لیره بالغ گشت، روکفلر مثل سایر جوانان طماع خود را بورطه معاملات صرافی نینداخت و باستعانت بحث و امتحان و تحقیق طریق تصفیه نفت را پیدا کرده با شرکت مردی «ساموئل آندرس» نام کارخانه تصفیه را دائر نمود، نفت مصفی و پاکیزه روکفلرچنان رواج یافت که مجبور شدند علی‌الدوام بکار مشغول باشند، از منافع حاصله تصفیه خانه دیگر ساخته شد، سرمایه داران همینکه پیشرفت کار او را مشاهده کردند برای مساعدت مالی نزد او رفتند، معاونت چند نفر را که خوش رفتار و سلیم‌النفس بودند پذیرفته در عملیات خود مداومت نمود.

روکفلر در ۱۸۷۰ توانست بک شرکت سهامی تأسیس نماید، کمپانی «استاندارداویل Standard Oil» با سرمایه دوپست هزار لیره در این وقت بوجود آمدند، خود روکفلر رئیس، برادرش «ویلیام روکفلر» نایب رئیس، «فلجبار» نام منشی و خزانه دار شرکت بود.

دیگران نیز کارخانه‌ها داشتند و میخواستند حریف زبردست خود را مغلوب نمایند، با متها درجه حرص و غضب با روکفلر بمخاصمه شروع کردند، از مزاحمت و ایجاد موانع فروگذار نمودند، اما روکفلر باین کار شکنی «سا» و رقابتهای خصومت آمیز اعتنا نمیکرد و برای تکمیل تصفیه نفت میکوشید. «وان دریل» بزرگترین صراف آمریکا در این موضوع بمغلوبیت خود اعتراف کرده میگوید: رؤسای کمپانی «استاندارداویل»

بمراتب از من قوی ترند ، بهتر این است من از مجادله با آنها
کناره کنم .

نفت شرکت استاندارد در همه جا مطلوب افتاد و در اروپا و
آسیا و افریقا و قصور سلاطین و کلبه های مساکین و سایر
مؤسسات عمران و اجتماع بموقع استفاده و استعمال گذاشته شد .
همینکه کار تصفیه بانجام رسید روکفلر فکر دیگر کرد ، نفت با
چلیکهای مترشح از چاهها به تصفیهخانه ها نقل میشد و این انتقال
اشکالانی داشت ، محض تسهیل امر لوله های آهن در روی زمین
کشید که نفت از آنها جاری شده بمحل معین میرسید ، برای
اینکه ساترین به لوله کشی اقدام نداشتند این امتیاز را از هر حیت
احتکار و بخود انحصار داد و سرمایه استاندارد اوئل را به
۷۰۰۰۰۰ لیره رسانید .

روکفلر مشکلی دیگر در مقابل داشت که لازم بود آن راهم
از میان بردارد ، کارخانه های تصفیه نفتی وضعیتی داشته باشند که
بتوانند نفت را بعد از تصفیه به آسانی بمراتر تجارتنی حمل کنند ،
در نتیجه ، بجاهدات مبذوله این کار هم صورت گرفت و همه
کپانیها اضطراراً از میدان رقابت خارج شدند . در تمام شهرهای
بزرگ برای فروش نفت شعبه های مخصوص و شرکتهای محلی
تأسیس نمود که همه شرکت اصلی مرکزی مرتبط بودند ، بالاخره
در اقطار اتازونی زمام نفت را کپانی استاندارد اوئل بدست آورد
و عنوان «پادشاه نفت» بر روکفلر مسلم گردید .

روکفلر باین موفقیتها قناعت نمیکرد ، راههای آهن ، سفاین

نقاله ، کشتیهای بخاری ، کارخانه‌های چوب و آهن‌سازی ، هر چیزی را که به نفت متعلق بود خریده بتأسیسات کپانی ضمیمه نمود . ساختن چلیک و تهیه ورقه‌های آهن سالی بیش از دو میلیون لیره منفعت داشت ، در ۱۹۰۲ سرمایه شرکت استاندارد را بیست و دو میلیون و منافع سالانه آن را شانزده میلیون لیره حساب می‌کردند . باید دید در مدت بیست سال اخیر بروست تجارت و عظمت سرمایه این کپانی چقدر افزوده شده و چگونه منابع نفت دنیا و منافع مهمه آن را در اغلب جاها بخود اختصاص داده است !

نیرنک سیاسی

جمعی در اطاق انتظار نشسته بودند ، مردی لاغر ، گوز-بشت ، ژولیده‌موی ، گردآلود که سیمانی پریشان و بزمرده داشت در میان حضار دیده می‌شد ، مثل این بود که این آدم از عرصه جنک و جدال گریخته است . خدمتکار داخل شد و گفت :
— آقای « صلح » بفرمائید ، نوبت شماست .

شخص مزبور برخاسته نزد طبیب رفت و در سندی روبروی دکتر قرار گرفت ، طبیب با نگاه تفحص و تحقیق حال در او نگریسته پرسید — شما را چه میشود ؟

مریض چند بار سر را تکان داد و گفت :

— حالم خوش نیست ، خوابهای آشفته می بینم ، هر دقیقه مثل این است که کسی مرا صدا میکند و با تمام قوت خود فریاد